



# سانسور، ابزار کنترل فرهنگ

○ سیدمحسن موسوی

بیرونی یا همان ممیزی خواهند آورد و قوت گرفتن ممیزی، خود نشانه آسیب‌هایی در جامعه است که مهم‌ترین آنها ناکارایی نهادهای تربیتی و ارتباطی از یک سو و شکاف در آرمان اجتماعی و نظم آن از سوی دیگر است. وی در ادامه به ساز و کارهای ممیزی در ایران پرداخته و از ریشه‌های قانونی کنترل بیرونی فرهنگ در ایران سخن می‌گوید. نویسنده با بحث از اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر آزادی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب مشروط به عدم اختلال به مبانی اسلام و حقوق عمومی و همچنین مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۶۷ تحت‌عنوان «اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب» به حدود قانونی نشر کتاب پرداخته است. به نظر وی، ساز و کارهای قانونی فقط تا حد ارائه کتاب برای ارزیابی عمل کرده و پس از آن به سیاست‌های درونی و سلاطین نانوشتة مسئولان واگذار شده است.

فقدان ساز و کار مناسب و قانونی در عرصه فرهنگ مکتوب، تبعاتی به دنبال دارد که نویسنده در جای جای کتاب به مصادیق و شواهد آن استناد نموده و برخی از این آثار را چنین می‌شمارد: به وجود آمدن برداشت‌های شخصی میزبان و بعضاً مغایر با هم برخورد مکانیکی و غیرهوشمندانه با کلمات و عبارات، امکان غرض‌ورزی‌های گروهی و سازمان یافته، تسلط گروه‌های فرهنگی بر گلوگاه نشر و جهت‌دهی به فرهنگ جامعه، تضییع حقوق پدیدآورندگان با فقدان ساز و کار اعتراض و تجدیدنظر، سردرگمی و دلسردی پدیدآورندگان به جهت ابهام در مصادیق اختلال و مغایرت با دیدگاه میزبان و به تبع آن بی‌رونی بازار نشر، فقدان ساز و کار کنترل بر ممیزی و میل به سمت نوعی تفتیش عقاید.

فصل آغازین کتاب به مرور ادبیات ممیزی اختصاص یافته و در آن از عناوینی همچون تعریف، انواع و پیشینه ممیزی در ایران و غرب و همچنین دیدگاه‌های موافق و مخالف سخن به میان آمده است. مآخذشناسی ممیزی در آثار فارسی در دو بخش کتاب‌ها و مقالات پایان‌بخش این قسمت است.

در فصل دوم آمار ممیزی کتاب در سال ۷۵ در مقولات مختلف آمده است. نسبت کتب ممیزی به کتب منتشر شده و نیز شدت ممیزی در هر یک از موضوعات، میانگین و حجم اصلاحات

○ رجب‌زاده، احمد، ممیزی کتاب: پژوهشی در ۱۴۰۰ سند ممیزی کتاب در سال ۱۳۷۵، تهران: انتشارات کویر، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ۶۱۵ صفحه

در این مجموعه، با استناد به برگه‌های ارزشیابی اداره کتاب در سال ۷۵، مجموعه کتاب‌هایی که از سوی میزبان (بررس‌ها) یا سردبیر، مشروط و یا غیر مجاز شناخته شده، مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده در پی آن است که با ارائه حجم و نوع آثار ممیزی شده، محتوای قضاوت بررسان و نحوه ارزیابی و ابعاد آن، نشان دهد که با فقدان یک ساز و کار مناسب، ممیزی کتاب به چه سمت و سویی میل می‌کند و چه پی‌آمدها و تبعاتی می‌تواند داشته باشد. این پژوهش به صورت گروهی و با مشارکت، عدای از پژوهشگران در جمع‌آوری، تنظیم و تحلیل اسناد، به سامان رسیده است. مطالب کتاب در ۸ بخش و ۲۰ فصل تنظیم شده و نمایه جامعی نیز از فهرست اسامی اشخاص و عناوین کتاب‌ها در پایان آمده است.

نویسنده در مقدمه کتاب با نگاهی جامعه‌شناسانه به مسئله ممیزی و سانسور، آن را صورتی از کنترل فرهنگ می‌داند. به اعتقاد وی، دولت‌ها و مراجع قدرت به میزانی که در کنترل درونی فرهنگ از طریق درونی کردن ارزش‌ها و عقاید، ناتوان شوند، روی به کنترل

پیشنهادی و محورهای ممیزی در این قسمت گزارش شده است. براساس این آمار، بیشترین ممیزی (کتاب مشروط و یا غیرمجاز) مربوط به ادبیات با رقم ۵۱/۳ درصد و کمترین نسبت یعنی صفر درصد مربوط به علوم طبیعی و ریاضیات و کودکان است. مهم‌ترین حوزه‌ای که موضوع ممیزی قرار گرفته حوزه ادبیات و آن هم داستان فارسی و خارجی بوده و در مرتبه بعد تاریخ ایران، زبان و روانشناسی قرار گرفته است.

در ادامه شیوه‌های ممیزی همچون اصلاح کتاب با تغییر عناوین، جمله‌ها و تعابیر و یا منع در گزارش واقعیت‌ها مورد بحث قرار گرفته است. براساس آمار، بیش از ۷۵ درصد از حساسیت‌های ممیزان به مقولاتی همچون عشق، شراب و مستی، توصیف زیبایی زن و اندام‌های جنسی، قمار، موسیقی و تعابیر غیرمتعارف بوده است.

به عنوان نمونه، تنها در یک کتاب ۹۱ مورد کلمه «شراب» به «نوشیدنی» تبدیل شده است. به نظر نویسندگان این گونه حساسیت‌ها تا حد نوعی الیناسیون پیش رفته و کم کم ممیز به طور ناخودآگاه و ماشین‌وار کلمات خاصی را بدون توجه به مفهوم و نقش معنایی آن در جمله دنبال می‌کند.

تعداد ممیزان، حیطه‌های مورد بررسی آنها و نحوه عملکردشان از نکات قابل تأمل در این بررسی است. براساس این گزارش تعداد ممیزان در مجموع ۱۸۸ نفر بوده و این در حالی است که ۷۱ درصد کتب مشروط و غیرمجاز صرفاً توسط ۲۸ نفر از آنان مورد ارزیابی و قضاوت قرار گرفته است. جالب اینکه ۲۸ ممیز اصلی در خصوص اکثر کتاب‌ها و از هر مقوله‌ای اظهارنظر کرده‌اند.

مرور محتوای اظهارنظر ممیزان و سردبیران نشان‌دهنده این بوده است که برخی از آنها به اقتضای جایگاه، به استدلال نیازی نداشته و اغلب با عباراتی کلی حکم به غیرمجاز بودن اثر داده‌اند.

شخصیت علمی و سبک نوشتار ممیزان از دیگر عناوین این قسمت است. نقل یک مورد از اظهارنظر ممیزان خالی از لطف نیست. ممیز می‌نویسد: «نویسندگان این قبیل رمان‌هایی که حاوی مسائل منکراتی است، ممکن است خود نیز مسئله‌دار باشند. پیگرد این قبیل افراد و تحقیق در منش و رفتار آنها نیز مناسب می‌باشد.»

در فصول بعدی به تفصیل موارد ممیزی در مقولات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. مقولاتی همچون ادبیات (داستان فارسی، خارجی، نمایشنامه، شعر، تاریخ و نقد ادبی)، تاریخ (تاریخ ایران، اسلام و جهان)، زبان (فرهنگ لغات و کتاب‌های آموزش زبان)، فلسفه و روانشناسی، علوم غریبه، علوم اجتماعی و فرهنگ عامه، دین، هنر، علوم کاربردی و کلیات (اطلاعات عمومی).

مروری اجمالی بر مصادیق ممیزی در هر یک از این حوزه‌ها، آدمی را به تأملی جدی وامی‌دارد.

در حوزه داستان فارسی، داستان‌های برگزیده در متون ادب فارسی همچون ریاض‌الحکایات، مثنوی مولوی و شاهنامه به دلیل مضمون جنسی داشتن غیرمجاز شمرده شده و ممیز چنین نظر می‌دهد که: «گردآوری چنین داستان‌هایی، جز تحریک قوای عشقی جوانان نمی‌تواند سودی برای جامعه داشته باشد و ضرر دارد.»

عباراتی همچون «بافت نپخته و شتابزده داستان»، «بدون منطق بودن حوادث»، «آزهم‌گسیختگی مطالب و نامفهومی و تصویر فضاهای تخیلی»، «حالت گزارش‌گونه داشتن داستان» از جمله اظهارنظرهای ممیزان در بررسی کتابهای داستانی است.

معلوم نیست کدام یک از اینها مغل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی است؟ در مجموع در عمده رمان‌ها با مضامین عشق و دلدادگی، هر عبارت و کلمه‌ای که با تداعی معانی و انتقال از یک معنی به معنای دیگر به نحوی با روابط زن و مرد مرتبط بوده مشمول ممیزی شده است. جالب اینکه این گونه حساسیت‌ها در آثاری که چهره منفی روشنفکران و شخصیت‌ها و وقایع مربوط به دوره پهلوی را به تصویر می‌کشد تا حد زیادی کاهش می‌یابد.

از تصویر روی جلد گرفته تا تشریح جزء به جزء همخوابگی‌ها و شرابخواری‌های شاه و اطرافیان فارغ از دغدغه بدآموزی و اخلاق به اخلاق عمومی!

نویسنده کتاب با استناد به چنین مواردی، اخلاق‌گرایی ممیزی در این دوره را تابع سیاست دانسته و نه یک گرایش ارزشی و تکلیفی. حذف ۶ قطعه از دیوان وحشی بافقی، حذف بالغ بر ۵ بیت و رباعی و مصرع از دیوان مجد همگر شاعر قرن هفتم، حذف ۴ قطعه و بیت از دیوان ملک‌الشعرای بهار از جمله دستاوردهای ممیزی در حوزه شعر بوده است.

در این حوزه، حدود دو سوم از مواردی که غیرمجاز شمرده شده به جهت وجوه فنی اشعار بوده و با تعبیراتی از این قبیل همراه می‌شود: «عدم رعایت مسایل ابتدایی در شعر و شاعری»، «عدم برخوردار از جوهره شعر قابل توجه»، «عدم توانایی شاعر در سرودن شعر فکاهی»، «تقص وزن و قافیه در اشعار»، «ضعف وزن و سنگینی ابیات»، «سست بودن زبان و نداشتن حرف و پیام و مبتدی بودن شاعر» و...

در حوزه آثار مربوط به تاریخ ادبیات و نقد ادبی، یکی از مسایل برجسته، حذف نام و آثار برخی رجال ادبی معاصر و تعریف و تمجید از آنها با تعبیراتی همچون «تطهیر چهره‌های معلوم‌الحال به عنوان چهره‌های ادبی» و «تحریر تاریخچه ادبیات معاصر از طریق بزرگ‌نمایی تأثیرات نویسندگان معاند» است.

در ممیزی مجموعه‌ها و جنگ‌های ادبی، کشکول شیخ بهایی با ۲۱ مورد اصلاحی از حکایات و تعبیرات، خلاف اخلاق و عفت عمومی شمرده شده است.

گلستان سعدی با ۲۲ مورد ممیزی، کلیله و دمنه با ۶ مورد و قابوس‌نامه با ۲ مورد و همچنین سمک عیار از جمله موارد ممیزی در حوزه نثر ادبی هستند که با تعبیراتی همچون غیراخلاقی و عدم عفت کلام به این نمونه‌ها توجه کنید، در اثری از عمران صلاحی، عبارت «برای این که غزل با اشکالات منکراتی مواجه نشود، آن را باید به این صورت چاپ کرد که: خواستم گیرم سیلش، نردبان پیدا نشد، به جای: خواستم بوس لبش را...»، ممیز آن را توهین به مسئولان چاپ و نشر ارشاد دانسته و از تیغ حذف گذرانده است. و با درخصوص بازنویسی حکایات گلستان سعدی به فارسی روان، ممیز چنین نظر می‌دهد که:

«نظر به این که کتاب مورد بررسی برآمده از جهل مرکب و جنون مستدام مؤلف است و موجب لکه‌دار شدن ساحت مقدس علم و ادب فارسی می‌شود، نشر آن ائتلاف سرمایه و امکانات کشور تلقی شده و غیرمجاز می‌باشد.»

در حوزه تاریخ، تنها به ذکر نام برخی منابع بعضاً دست اول تاریخی بسنده می‌کنیم. تاریخ جهانگشای جوینبی، مقالات دهخدا، روزنامه خاطرات عزیزالسلطان، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، تاریخ اجتماعی ایران و تاریخ ایران سرجان ملکم از جمله مصادیق ممیزی در این حوزه هستند.

ممیزی در حوزه زبان‌های خارجی در دو بخش فرهنگ لغات و کتابهای آموزش زبان تأمل و توجهی ویژه می‌طلبد. میزان بسیاری از تصاویر آموزشی را حنف و یا بسیار ناشیانه بازسازی نموده‌اند و در فرهنگ لغات واژه‌های متعددی را که به زعم ایشان غیراخلاقی بوده غیرمجاز تشخیص می‌دهند. آیا فی‌المثل وجود ۱۰۰ یا ۲۰۰ غیراخلاقی به نظر می‌زاند، در یک فرهنگ واژگان، نشان‌دهنده رواج فحشاء در جامعه توسط نویسندگان است؟ میزان بدون توجه به ماهیت فرهنگ لغت به صورت ماشینی به حنف و اصلاح مجموعه‌ای از لغات نظر داده و تبادل فرهنگی و ارتباط از طریق واژگان را مخلوش گذاشته‌اند. واژگان مورد حنف و اصلاح از چنین مقولاتی بوده‌اند: واژه‌های مرتبط به مشروبات الکلی، فحشا و بدکارگی زنان و مردان، روابط و امور جنسی، قمار و قماربازی، عشق و عاشقی و...

فرهنگ لغات ترکی استانبولی به فارسی با ۱۶۴ مورد اصلاح و فرهنگ جامع آلمانی به فارسی با ۱۷۶ مورد و فرهنگ دانشگاهی انگلیسی فارسی با ۸۲ مورد حنف و اصلاح از کتابهای ممیزی شده قابل توجه در این حوزه هستند. تصاویر در فرهنگ‌های مصور نیز از ممیزی بی‌نصیب نبوده‌اند حتی تصاویر خدایان و شخصیت‌های اساطیری.

در ممیزی کتب آموزشی زبان و عبارت «کلیه عکس‌های نقاشی خانم‌ها با پوشش اسلامی چاپ شود (با مقننه)» به کرات آمده است. در خصوص عبارات و کلمات نیز هر آنچه در عرف و سنت جامعه مردود بوده یا غیرمعمولی، حنف یا اصلاح شده است. مواردی همچون:

جملات مربوط به سیگار کشیدن، اشاره به کلوب شبانه بوسیدن، به کار بردن کلمه Love، گرفتن شماره تلفن از یک خانم، تماس دو نامحرم، اشاره به مناس مختلط، تعریف از یک زن یا دختر، اشاره به سگ و خوک باری، ممیزی در حوزه‌های روانشناسی، علوم اجتماعی، هنر و کلیات (اطلاعات عمومی) نیز داستانی خواندنی و عبرت‌آموز است که طالبان را به سبب ضیق مجال و پرهیز از اطلاله سخن به متن اصلی ارجاع می‌دهیم.

نثر پخته و روان، تحلیل‌های عالمانه و هوشمندانه چپ‌نویس مناسب مباحث در نظمی منطقی و مقبول، دقت و تیزبینی‌های به جا و نهایتاً صفحه‌آرایی فنی و زیبا از جمله ویژگی‌های ستودنی این کتاب هستند.

چنانکه گذشت، در مقدمه کتاب مآخذشناسی ممیزی و سانسور

در آثار به زبان فارسی ارائه شده است. با توجه به محدوده زمانی این فهرست که تا سال ۱۳۷۶ هجری شمسی را شامل می‌شود و نیز تاریخ انتشار چاپ اول کتاب در سال ۱۳۸۰، شایسته بود منابع این دوره نیز نظر به حجم قابل توجه آنها دست کم در چاپ جدید کتاب در سال ۱۳۸۱ به فهرست مذکور افزوده شده تا ویرایش جدیدی از این مآخذشناسی ارائه گردد. از جمله آثار قابل توجه این دوره، اثر ارزشمند دکتر فریبرز خسروی تحت عنوان سانسور، تحلیلی بر سانسور کتاب در دوره پهلوی دوم است که برای نخستین بار در سال ۱۳۷۸ و توسط مؤسسه فرهنگی و پژوهشی چاپ و نشر نظر به چاپ رسید.

در این اثر که در اصل رساله دکتری نویسنده بوده بیش از ۲۳۰۰۰ سند از پرونده‌های ممیزی در دوره پهلوی دوم با روش پیمایش تحلیلی و تحلیل محتوی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته‌اند. نویسنده با تحلیل دوره‌ای ۲۰ ساله از تاریخ ممیزی در ایران به اثبات می‌رساند که اولاً بیش از ۵۰ درصد سانسورهای صورت گرفته در این محدوده سیاسی بوده و ثانیاً بین دیدگاه منفی میزبان و عدم صدور مجوز کتاب، رابطه معناداری وجود نداشته است.

سخن از ویژگی‌های این اثر ارزشمند نیز مجال مستقل می‌طلبد و اما پژوهش‌های جدی در مبانی نظری ممیزی با رویکردهای مطالعات بین‌رشته‌ای و به تبع آن طراحی و تلویین سازوکارهای دقیق و مناسب از جمله سرفصل‌های مهمی است که همچنان مغفول مانده است.

دستی از دور بر آتش داشتن و ملامت زبان به انتقاد گشودن، گرهی از معضلات فرهنگی ما نخواهد گشود. همت بلند صاحب نظران و اندیشمندان هشیار و بصیر این مرز و بوم را می‌طلبد که با مشاهده چنین نابسامانی‌ها و موانع اسف‌انگیز در مسیر توسعه فرهنگی ایران اسلامی بر سر غیرت آیند و از سر دقت و تأمل در این حوزه، طرحی نو درآفکنند.

پاسخ به «چه باید کرد؟» معمولاً چیزی است که در پس «چه کرده‌اند» و «چه کرده‌ایم؟»ها مغفول و مهجور می‌ماند.

چنین است که چون جریان امر را به ما می‌سپرنند به سبب فقتان روشمندی و عدم تلویین مبانی علمی و دقیق در تعیین استراتژی و صرفاً اشتغال به انتقادهای سطحی و بعضاً مفرضانه و تخریبی، نتیجه کار نه اصلاح که ید از بدتر خواهد بود. سیاست یا همه یا هیچ همیشه سیاست‌گذاران را به مخاطره سقوط از آن سوی بام تهدید نموده است. بد نیست گوشه چشمی هم بیندازیم به آنچه پس از سال ۱۳۷۵ بر ممیزی کتاب کشور گذشته است.

کوتاه سخن آنکه می‌پرسیم آیا در ممیزی کتاب می‌توان به مرزها و معیارهایی متفق‌علیه رسید؟ و اگر هست تا چه مقدار این حدود و ثغور از دستخوش هجمه‌ها و حمله‌ها در امان مانده‌اند؟

چه نیک است اگر اندکی درنگ کنیم و در سیاست‌گذاری فرهنگی کشور خدای ناکرده شتابزده و ناسنجیده گام برنرلیم. امید آنکه کارنامه ممیزی کتاب، سند افتخاری باشد در دستان مدیران و سیاست‌گذاران فرهنگ این مرز و بوم تا بدان ببالیم و بر سر در جامعه فرهنگی خویش‌اش بیاویزیم.